

اوکراین

«این جنگ، جنگ میان امریکا و روسیه است»

جان جی. میرشایمر، دانشمند و متخصص روابط بین‌الملل و استاد ممتاز دانشگاه شیکاگو، با کاترینا واندن هوول، سردبیر هفته‌نامه آمریکایی «ملت» و بیوه استاد مطالعات روسیه گفت‌وگو کرد. استفن اف کوهن، که در سال 2020 در گذشت

از اینکه من را به حضور در اینجا دعوت کردید متشکرم. خاطرات خوبی از سفرهایمان به آلمان دارم، به خصوص زمانی که استیو (استیون اف. کوهن، شوهر فقید کاترینا واندن هوول) و من در آن زمان درباره اوکراین بحث می‌کردیم. من هم با شما موافقم کاترینا که گفتید این خطرناک‌ترین بحران از زمان جنگ جهانی دوم است. من فکر می‌کنم این حتی خطرناک‌تر از بحران موشکی کوبا است، اما این نباید از خطر آن بحران بکاهد. اما اساساً ما با جنگی بین آمریکا و روسیه روبرو هستیم و هیچ پایانی در آن متصور نیست. نمی‌توانم تصور کنم که این جنگ در آینده نزدیک چگونه به پایان می‌رسد. و من فکر می‌کنم که خطر تشدید بیشتر بسیار زیاد است. اول، تشدید تنش که در آن ایالات متحده در واقع با روسیه می‌جنگد و دو طرف به صورت نظامی درگیر می‌شوند، که قبلاً هرگز اتفاق نیفتاده است. و من فکر می‌کنم، ثانياً، خطر جدی تشدید هسته‌ای در اینجا نیز وجود دارد. نمی‌گویم احتمال دارد، اما می‌توانم داستان‌هایی درباره اینکه چنین چیزی واقعاً ممکن است اتفاق بیفتد، تعریف کنم

بنابراین سوال این است: چگونه وارد این آشفتگی شدیم؟ علل آن چیست؟ مطالعه این سوال بسیار مهم است زیرا انواع و اقسام پیامدهای آن برای درک طرز تفکر روسی دارد. اگر می‌خواهید درک کنید که روس‌ها در مورد این بحران چه احساسی دارند، باید دلایل آن را درک کنید. دیدگاه غالب، که البته من آن را رد می‌کنم، این است که ولادیمیر پوتین یا اصالتاً متجاوز است، یا اینکه مصمم به احیای اتحاد جماهیر شوروی یا نسخه جدیدی از اتحاد جماهیر شوروی است. او یک توسعه طلب است، یک امپریالیست. به نظر من اما این استدلال اشتباه است. در واقع، این در مورد تلاش‌های غرب برای تبدیل اوکراین به یک سنگر غربی در مرز روسیه است.

مشکل گسترش ناتو به سمت شرق است

عنصر کلیدی در این استراتژی، البته، گسترش ناتو است. به نظر من، همه اینها به تصمیم نشست ناتو در بخارست در آوریل 2008 برمی‌گردد که تصمیم گرفت گرجستان و اوکراین هر دو بخشی از ناتو شوند. در آن زمان، روس‌ها کاملاً به صراحت گفتند که این غیرقابل قبول

است و نه گرجستان و نه اوکراین نباید بخشی از ناتو شوند. روس ها حتی به صراحت گفته اند که این را یک تهدید وجودی می دانند. درک این کلمات بسیار مهم است. از دیدگاه روسیه، گسترش ناتو به سمت شرق از ابتدا به عنوان یک تهدید وجودی تلقی می شد. بسیاری از مردم در غرب معتقد نیستند که تهدیدی وجودی برای روس ها وجود دارد، اما آنچه آنها معتقدند بی ربط است، زیرا تنها چیزی که مهم است این است که پوتین و همکاران روسی او چه فکر می کنند، و آنها گسترش ناتو به سمت شرق را برای یک امر وجودی می دانند. تهدید

صادقانه بگویم، فکر می کنم شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد این در مورد اقدامات امپریالیستی پوتین نیست، بلکه همانطور که گفته شد، در مورد گسترش ناتو است. اگر به سخنرانی 24 فوریه او نگاه کنید که در آن دلیل حمله روسیه به اوکراین را توجیه می کند، درباره گسترش ناتو و این واقعیت است که او آن را یک تهدید وجودی برای روسیه می داند. اگر به استقرار نیروهای مسلح در اوکراین نگاه کنید، به سختی می توان استدلال کرد که روس ها می خواهند اوکراین را فتح کنند، آن را اشغال کنند و در روسیه بزرگتر ادغام کنند. وقتی به صحبت های زلنسکی درباره راه حل احتمالی گوش می دهید، اولین چیزی که او مطرح می کند موضوع اوکراین بی طرف است. این به شما نشان می دهد که آنچه واقعاً در خطر است، گسترش ناتو و بی طرفی اوکراین است. هیچ نشانه ای وجود ندارد که پوتین واقعاً می خواهد اوکراین را بخشی از روسیه کند

همچنین هیچ مدرکی وجود ندارد که او گفته باشد این امکان وجود دارد و قصد انجام آن را داشته است. می توان حدس زد که در دلش دوست دارد اوکراین را بخشی از روسیه ببیند. او احتمالاً در دل خود نیز دوست دارد که اتحاد جماهیر شوروی را ببیند. اما همانطور که خود او نیز تصریح کرده است، این امکان پذیر نیست و هرکسی که چنین فکر می کند، در جهت اشتباه فکر می کند. او اینگونه بیان کرد. خوشحال می شوم اگر کسی بتواند در توضیح سیاست هایش به من اشاره کند که در واقع هدف از ایجاد روسیه بزرگ یا احیای اتحاد جماهیر شوروی را بیان کرده است. اگر شما (کاترینا، ویرایش) با من موافق هستید که او با یک تهدید وجودی مواجه است، به این معنی است که او آن را تهدیدی برای بقای روسیه می داند. و وقتی در چنین موقعیتی قرار گرفت، نباید ببازد. وقتی با یک تهدید وجودی مواجه می شوید، نمی توانید ببازید. شما چاره ای ندارید، باید برنده شوید

آمریکا می خواهد روسیه را شکست دهد

این ما را به سمت آمریکا می برد. آمریکایی ها چه می کنند؟ کاری که ما (آمریکایی ها) انجام می دهیم همان کاری است که پس از وقوع بحران در 22 فوریه 2014 انجام می دادیم: ما در حال دو برابر شدن هستیم. تصمیم گرفتیم روسیه را در اوکراین شکست دهیم. ما در اوکراین

شکست قاطعی را به روس‌ها تحمیل خواهیم کرد. و در عین حال اقتصاد روسیه را خفه خواهیم کرد. ما تحریم‌های بدی را علیه روس‌ها اعمال خواهیم کرد و آنها را به زانو در خواهیم آورد. به عبارت دیگر ما پیروز می‌شویم و آنها می‌بازند. علاوه بر این، دولت بایدن و شخص رئیس‌جمهور تلاش‌های زیادی کرده‌اند تا لفاظی‌ها را تشدید کنند و روس‌ها را منشأ همه شرارت‌ها و ما آمریکا را به‌عنوان بچه‌های خوب معرفی کنند و در ذهن مردم این تصور را ایجاد کنند که این وضعیت وجود دارد. اجازه سازش را نمی‌دهد، زیرا نمی‌توان با شیطان سازش کرد. در واقع، این بدان معناست که ما (ایالات متحده آمریکا، ویرایش) نیز باید در اینجا برنده شویم.

شما می‌دانید که اگر روس‌ها در این جنگ پیروز شوند، شکست ویرانگری برای جو بایدن خواهد بود. و همانطور که به شما گفتم، روس‌ها باید در این جنگ پیروز شوند، زیرا این یک تهدید وجودی برای آنها است. بنابراین سوالی که باید پرسید این است: چه چیزی برای ما باقی مانده است؟ هر دو طرف باید برنده شوند. اما غیرممکن است که هر دو طرف پیروز شوند – نه در شرایطی که اینجا با آن روبرو هستیم. پس چگونه می‌توانیم راه حلی از طریق مذاکره پیدا کنیم؟ من فکر نمی‌کنم این اتفاق بیفتد. من به هیچ وجه نمی‌بینم که روس‌ها عقب‌نشینی کنند و آمریکایی‌ها هم به هیچ وجه عقب‌نشینی نمی‌کنند. پس چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟ از طرف ما و حتی طرف روسیه هم اکنون صحبت می‌شود که این جنگ سال‌ها ادامه خواهد داشت. به عبارت دیگر، جنگی بین آمریکا و روسیه خواهیم داشت که سال‌ها ادامه خواهد داشت.

من می‌دانم که ما (ایالات متحده) در حال حاضر درگیر جنگ نیستیم، اما تا جایی که می‌توانید به آن نزدیک هستیم. و سپس تعجب می‌کنید که آیا ممکن نیست که ما به این موضوع کشیده شویم. فشار سیاسی زیادی بر دولت بایدن برای اجرای منطقه پرواز ممنوع و حمله به اوکراین برای اهداف بشردوستانه و غیره و غیره وجود دارد. بایدن تا به حال توانسته این فشار را تحمل کند، اما آیا می‌تواند تا ابد این فشار را تحمل کند؟ و اگر یک حادثه نظامی ما را به جنگ بکشاند چه؟ ما می‌توانیم در شرایطی قرار بگیریم که آمریکا و روسیه مستقیماً در اوکراین با یکدیگر بجنگند. سپس به موضوع تشدید تنش هسته‌ای می‌رسیم.

من فکر می‌کنم اگر ایالات متحده به جنگ علیه روسیه کشیده شود و این جنگ به یک جنگ متعارف در اوکراین یا بر سر اوکراین در هوا تبدیل شود، ایالات متحده روس‌ها را تمام خواهد کرد. اگر اوکراینی‌ها از نظر نظامی به خوبی در برابر روس‌ها مقاومت کنند، می‌توانید تصور کنید که آمریکایی‌ها در جنگ‌های سگ‌ها و همچنین روی زمین چقدر بهتر عمل می‌کنند، درست است؟ آیا فکر نمی‌کنید در چنین شرایطی روسیه به سلاح هسته‌ای متوسل شود؟ من فکر می‌کنم ممکن است. من تاریخ نظامی زیادی مطالعه کردم. من تصمیم‌زاپنی‌ها برای حمله به

ایالات متحده در پریل هاربر در سال 1941 را پوشش داد. من تصمیم آلمان برای شروع جنگ جهانی اول را در طول بحران جولای 1914 مطالعه کرده ام. من به تصمیم مصر برای حمله به اسرائیل در سال 1973 نگاه کردم

در تمام این موارد، تصمیم گیرندگان احساس می کردند که در وضعیت ناامیدکننده ای قرار دارند، و می دانستند که به نوعی در حال تاس انداختن هستند و استراتژی فوق العاده خطرناکی را دنبال می کنند. اما آنها احساس کردند که چاره ای ندارند. آنها احساس می کردند که بقای آنها در خطر است. بنابراین ما در مورد کشوری مانند روسیه صحبت می کنیم که معتقد است با یک تهدید وجودی مواجه است، که معتقد است بقای خود در خطر است، و ما آن را به حد نهایی رسانده ایم. ما در مورد نابودی روسیه صحبت می کنیم. هدف نه تنها شکست روسیه در اوکراین، بلکه نابودی اقتصادی روسیه است. این وضعیت بسیار خطرناکی است و من این را شگفتانگیز می دانم که چقدر با این موضوع ساده برخورد می کنیم. اتفاقاً من معتقدم که این ارتباط زیادی با این واقعیت دارد که بسیاری از افرادی که امروز به این مشکل فکر می کنند در دوران تک قطبی بزرگ شده اند و نه در دوران جنگ سرد. در طول جنگ سرد، و شخصی مانند جک (جک اف. متلاک جونیور) می تواند این را حتی بهتر از من برای شما توضیح دهد، ما طولانی و سخت در مورد جنگ هسته ای فکر می کردیم

ما در مورد روابط ایالات متحده و شوروی و اینکه چگونه ممکن است منجر به جنگ هسته ای شود، به سختی فکر کرده ایم. افرادی که در دوران تک قطبی بزرگ شده اند نسبت به این مسائل بسیار بی خیال تر هستند. و من فکر می کنم این یک وضعیت بسیار خطرناک است. می خواهم یادآوری کنم که حتی اگر روسها و آمریکاییها مستقیماً با هم نجنگند، اما اوکراینیها بتوانند روسها را در اوکراین لنگ بزنند و شکستهای آشکاری را به آنها تحمیل کنند، روسها همچنان می توانند به سلاحهای هسته ای متوسل شوند. ممکنه. احتمالش هست؟ نه، اما ممکن است. و این من را بسیار می ترساند، و باید بیشتر آمریکاییها و به ویژه بیشتر اروپاییها را بترساند. بنابراین وقتی امروز به روابط آمریکا و روسیه نگاه می کنم، فکر می کنم که ما عملاً در حال جنگ با یکدیگر هستیم. درست است، آمریکاییها در میدان جنگ با روسها نمی جنگند، اما وضعیت بسیار خطرناک است

و اوکراین چطور؟ آیا اوکراینیها جایی برای رویکرد متفاوت ندارند؟ بالاخره این کشور آنهاست که در حال نابودی است. می توان استدلال کرد که غرب، به ویژه ایالات متحده، آماده است تا آخرین اوکراین در این جنگ بجنگد. و نتیجه نهایی این خواهد بود که اوکراین به عنوان یک کشور ویران خواهد شد. آیا این امکان برای خود اوکراینیها وجود ندارد که بگویند بس است و در فرصتی که دارند به آن پایان دهند؟ متأسفانه فکر نمی کنم اینطور باشد. من معتقدم که ایالات متحده اجازه نخواهد داد که اوکراینیها معامله ای انجام دهند که برای

ایالات متحده غیرقابل قبول باشد. واشنگتن پست روز دوشنبه مقاله‌ی منتشر کرد که به وضوح نشان داد که دولت و متحدان ما در ناتو بسیار نگران هستند که اوکراینی‌ها بتوانند با روس‌ها معامله‌ی انجام دهند که به نظر برسد روس‌ها برنده شده‌اند، یا در واقع چه کسی قبول می‌کند که روس‌ها حداقل تا حدودی پیروز شده‌اند.

ما نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد. همانطور که گفتم، دولت بایدن در صدد تحمیل شکست قاطع به روسیه است. اگر اوکراینی‌ها تصمیم بگیرند به توافقی دست یابند و پیروزی قابل توجهی را به روسیه بدهند، آمریکایی‌ها می‌گویند که این غیرقابل قبول است. و آمریکایی‌ها با ناسیونالیست‌های افراطی راست در اوکراین برای تضعیف سیاسی زلنسکی یا جانشین او همکاری خواهند کرد. بنابراین من هیچ احتمالی نمی‌بینم که اوکراین بتواند به تنهایی مداخله کند و به این بحران پایان دهد. تنها چیزی که می‌توانم ببینم این است که این بحران در حال گسترش است.

در خاتمه، مایلم به یاد بیاورم که جورج کنان در اواخر دهه 1990 گفت که گسترش ناتو یک اشتباه غم‌انگیز بود و منجر به شروع یک جنگ سرد جدید خواهد شد. در ابتدا به نظر می‌رسید که او اشتباه می‌کند. اولین مرحله گسترش ناتو در سال 1999 اتفاق افتاد و ما (ایالات متحده، ویرایش) از آن دور شدیم. مرحله دوم توسعه در سال 2004 انجام شد و ما نیز از آن عبور کردیم. اما زمانی که در آوریل 2008 قسط سومی که قرار بود گرجستان و اوکراین را نیز شامل شود، تعیین شد، مشخص بود که ما از این حد فراتر رفته ایم. و نتیجه نهایی، متأسفانه، این است که پیش‌بینی کنان به حقیقت پیوست.

من از شما سپاسگزارم.